سئوالات درس : املا	باسمه تعالی اداره کل آموزش و پرورش کرمانشاه نوبت دوم خردادماه ۱۴۰۲-۱۴۰۱	وقت آزمون :	
نام ونام خانوادگی :		ساعت برگزاری :	
نام مدرسه : رایان (دوره اول)		تاریخ امتحان :	
پایه تحصیلی : هفتم		تعدادسئوال :	تعداد صفحه:

نام ونام خانوادگی دبیر و امضا: سید نوید کمری | نمره با عدد: | نمره باحروف:

ردیف	سوال	بارم
	غرقه شکوه و اعجاز زیبایی خلقت بودم که ناگهان نوازش لطیف و خنکی را در لای انگشتان پاهای برهنه‌ام احساس کردم، آب، این روح مذاب امید و زندگی؛ تازه نفس، جوان، زلال، و نیرومند با گام‌های استوار و امیدوار شتابان می‌رفت تا خود را به دهان خشک زمین و صدها کشتزار سوخته و نگاه‌های پژمرده هزاران درخت تشنه برساند و در رگ‌های خشکیده جوی‌های مزرعه و کوچه‌باغ‌های مرده، جاری گردد. زیارت حضرت معصومه(س) به او آرامش بخشید. باز هم شوق خواندن و عطش مطالعه در وجودش زنده شد. مشتاقانه به سوی مدرسه دارالشفای قم به راه افتاد. از حرم تا مدرسه راهی نبود تنها چند قدم.حرم دل او را آرام می‌کرد و مدرسه اندیشه‌اش را. حجره‌ای ساده و کوچک نصیب او شد. حجره‌ای که فضای آن بیش از شش متر مربع نبود و گلیم ساده‌ای کف آن را پوشانده بود.حجره‌ای که برای محمد تقی از همه دنیا بزرگ‌تر بود. پروفسور حسابی، هر وقت از خواندن و پژوهش فراغت می‌یافت، به باغبانی می‌پرداخت و در زمان مناسب از بیل زدن باغچه و یا خالی کردن آب حوض خانه‌اش هم پروایی نداشت. شاگردانش می‌گویند: به دو چیز علاقه‌مند بود، قرائت قرآن و مشاعره. وقتی دیگران در مشاعره می‌ماندند، سعید ادامه می‌داد. ذهن او لبریز از سروده‌های زیبا بود. اسلام، دروازه سرزمین‌های دیگر را به روی ایرانی و دروازه ایران را به روی فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر باز کرد که دو نتیجه برای ایرانیان حاصل شد: یکی آنکه توانستند هوش و لیاقت و استعداد خویش را به دیگران عملا ثابت کنند؛ به طوری که دیگران آنها را به پیشوایی و مقتدایی بپذیرند؛ دیگر اینکه توانستند سهم عظیمی در تکمیل و توسعه یک تمدن عظیم جهانی به خود اختصاص دهند. رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، با فرزندان خود به مهر و عطوفت رفتار می‌کرد. در میان جمع ، گشاده‌رو بود و در تنهای، سیمایی محزون و متفکر داشت. هرگز به روی کسی خیره نگاه نمی‌کرد و بیشتر اوقات، چشم‌هایش را به زمین می‌دوخت. در سلام کردن به همه، حتی به کوکان، پیش دستی می‌کرد. امام خمینی تا سال ۱۳۵۷ علاوه بر تدریس در حوزه علمیه نجف و تالیف کتاب، پرچم مبارزه با ظلم و ستم شاه و کشورهای استعمارگر، به ویژه آمریکا را برافراشته نگاه داشت. امام خمینی نیز ناگزیر به پاریس رفت و از آنجا رهبری نهضت مردم ایران را که در آن زمان به انقلاب بزرگ تبدیل شده بود، بر عهده گرفت. هنوز کار معلم تمام نشده بود. در پایان مراسم، معلم شاگردانش را به کلاس برگرداند. آنها با شیرینی و آب میوه، مجلس ترحیم نمی‌توانم را برگزار کردند. دونا روی اعلامیه ترحیم نوشت: نمی‌توانم. تاریخ فوت ... و کاغذ را بالای تخته سیاه آویزان کرد.	
	موفق و سربلند باشید	۲۰

www.kanoon.ir